

به مناسبت درگذشت آیت الله منتظری

آیت الله منتظری، مرجع سرشناس شیعیان، مبارز ضد رژیم منفور سلطنت، زندانی سیاسی سابق و از نظریه پردازان و پایه گذاران حکومت جمهوری اسلامی، روز شنبه ۲۸ آذر ماه سال ۱۳۸۸ در شهر قم در حالیکه در حصر خانگی بسر می برد و مورد تعدی و تجاوز رژیم منفور جمهوری اسلامی قرار داشت درگذشت. مراسم خاکسپاری آیت الله منتظری امروز دوشنبه با حضور صدها هزار نفر در شهر قم برگزار گردید و مردم با شعارهای کوبنده، نفرت و انزجار خویش را نسبت به سران جمهوری اسلامی، بویژه سید علی خامنه ای و محمود احمدی نژاد و بطور کلی ولایت فقیه که ارزشی برای انسانها قایل نیست ابراز داشتند. آیت الله منتظری یک از بنیان گذاران و نظریه پردازان نظام جمهوری اسلامی است که در تدوین قانون اساسی ارتجاعی جمهوری اسلامی نقش مهمی ایفا نمود و به اعتراف خودش اصل استبدادی ولایت فقیه در قانون اساسی توسط ایشان تعریف، تدوین و در قانون اساسی گنجانده شد.

در سال ۱۳۶۴ خورشیدی، مجلس خبرگان، آیت الله منتظری را بعنوان قائم مقام و جانشین آیت الله خمینی انتخاب کرد. زندگی سیاسی آیت الله منتظری در طول سه دهه اخیر به دو دوره متفاوت تقسیم میگردد و نمی توان این دو دوره را از هم تمیز نداد و بی مسئولیت از کنار آن گذشت. دوره اول، دوره پایه گذاری نظام جمهوری اسلامی و تلاش برای تثبیت پایه های حکومت اسلامی بهر قیمت و ممانعت از تعمیق انقلاب از یک سو و صف آرایی نیروهای مترقی و انقلابی در مقابل یورش ارتجاع برای حفظ دستاوردها و تعمیق انقلاب و تحقق مطالبات دموکراتیک همه آحاد مردم ایران از سوی دیگر است. در این دوره، آیت الله منتظری همسنگر با آیت الله خمینی و دوشادوش وی علیه اعتراضات برحق مردمی و آزادیخواهانه عمل نمود و به تائید سرکوب خونین خلق کرد، ترکمن صحرا، حمله به دانشجویان و تائید انقلاب ننگین فرهنگی اسلامی، بستن دانشگاهها و سرانجام تائید کودتای خونین ۳۰ خرداد ۶۰ و ریشه کن کردن بقایای آزادیهای دموکراتیک پرداخت. تیربارانهای هولناک و وحشیانه جوانان و نوجوانان در کوچه و خیابان و زندان در سالهای ۶۰، ۶۱ و ۶۲ خورشیدی و فضای اربعاب و بربریت و کشتار آن زمان در حافظه تاریخی مردم ایران ثبت است و این دوره نیز بخشی از کارنامه زندگی سیاسی آیت الله منتظری است. در این دوره بسط خرافات و تجاوز به حقوق بشر و حقوق زنان، تاسیس بنیادهای غارتگر ثروت مردم، سازمانهای سرکوب و متجاوز در دستور کار بود و سنگهای بنائی را پی ریزی می کرد که سرانجام به حذف خودیها از جمله آیت الله منتظری منجر شد. آیت الله منتظری در آن دوره با دید تائید به همه این ستمگریها نگاه می کرد و حتی مدعی شد زلزله طبس یک آزمایش خدائی بوده است. باید توجه داشت که آیت الله منتظری در سال ۱۳۶۴ توسط رهبری مجلس خبرگان بعنوان جانشین آیت الله خمینی انتخاب گردید و این بدان معناست که آقای منتظری حداقل تا این تاریخ در خطوط و عملکرد سیاسی با خمینی در یک سنگر قرار داشت، در غیر اینصورت انتخاب ایشان توسط مجلس خبرگان محلی از اعراب نمی داشت. ما کمونیستها نمی توانیم تاریخ را جعل کنیم و بر واقعیات آن پرده استتار بیفکنیم. ما باید پدیده ای بنام آیت الله منتظری را در روند تحول و تکاملش مورد ارزیابی قرار داده در متن تاریخی به آن بپردازیم. این امر برای ما یک تجربه قابل آموزش است که نسلهای کنونی و آینده ایران باید با آن به نحو علمی نه احساسی برخورد کنند. دوره دوم زندگی سیاسی آیت الله منتظری از سالهای ۶۵ و ۶۶ خورشیدی آغاز میگردد که توام با واقعبینی و دوراندیشی سیاسی و آموزش و جمعبندی جدید از تئوریهای معیوب اسلامی در تجربه زنده زندگی اجتماعی است که با انتقاد و افشای جریان مک فارلین و سرانجام اعدام مهدی هاشمی برادر داماد وی همراه بود. انتقادات منتظری به ادامه سیاست جنگ علیه عراق و در نهایت برخورد انتقادی ایشان به قتل عام زندانیان سیاسی در تابستان ۱۳۶۷ و ایستادگی او در مقابل خمینی خون آشام، موجب برکناری وی از مسند قدرت و قائم مقامی وی گردید. خمینی طی ارسال نامه ای خطاب به منتظری، وی را "ساده لوح" خواند و نوشت: "شما پس از این وکیل من نیستید." از آن تاریخ حملات سیاسی علیه آیت الله منتظری آغاز گردید، حرمت و دیوار حفاظتی منزل وی در قم نیز تخریب و رساله ها و تالیفات ایشان جمع آوری شدند. سانسوری که در

دوره نخست فعالیت ایشان گریبان سازمانهای انقلابی و دموکراتیک را گرفته بود حال به در خانه ایشان می رسید. آیت الله منتظری اما به رغم همه تهدیدات و شانتاژهای سیاسی، از انتقاد به خمینی و یاران آدمخوار او باز نایستاد و شجاعانه علیه باند ارتجاع حاکم به مقابله برخاست. آیت الله منتظری حال خود قربانی همان ساز و کاری می شد که سابقاً آیت الله شریعتمداری را به کام خود کشیده بود. ماشین آدمخواری که حرمت آیت اللهی را حفظ نکند همه آیت الله ها را به کام خویش می کشد.

آیت الله منتظری برخلاف خمینی، نه تنها ساده لوح نبود، بلکه بسیار دوراندیش و از شم طبقاتی بالایی برخوردار بود. وی بارها به رهبران جمهوری اسلامی که به منافع کوتاه مدت خود می اندیشیدند گوشزد می نمود که با شیوه های هرج و مرج طلبانه و خودسرانه و بگير و ببندهای وحشیانه نمی توان حکومت کرد و نظام اسلامی پایدار نخواهد ماند و به گور سپرده خواهد شد. اوضاع کنونی ایران، انفراد و نفرت همگانی از جمهوری اسلامی و درپرتگاه قرارگرفتن موجودیت کل نظام همه و همه در تائید دوراندیشی آقای منتظری است. تمام تلاش آیت الله منتظری در این جهت بود تا با اجرای اصلاحاتی درچارچوب نظام و آشتی بین "اسلام و دموکراسی" و قابل هضم کردن اسلام و "رافت" اسلامی برای مردم، جمهوری اسلامی سرمایه داری ایران را از سرنگونی نجات دهد. در همین راستا تفسیر دیگری از ولایت فقیه و نقش معنوی روحانیت در جامعه و ارزش نهادن به نظر مردم و احترام به انسان و حق انتخاب کردن ارائه داد.

آیت الله منتظری بعنوان رهبر معنوی اصلاح طلبان، کودتای ۲۲ خرداد را محکوم کرد و از مبارزات و حقوق دموکراتیک مردم در چارچوب نظام دفاع نمود و تا آخرین روزهای حیات خویش در مقابل فاشیسم مافیای حاکم کوتاه نیامد و با سربلندی بدرود حیات گفت.

حزب ما ضمن خط کشی روشن با سیاست همکاری آیت الله منتظری با خمینی درسرکوب آزادیخواهان در اوان تاسیس نظام جمهوری اسلامی ایران، برآمد شجاعانه ایشان علیه دارودسته فاسد و آدمخوار خمینی را در دو دهه اخیر مثبت و آن را بسود پیشروی مبارزات عادلانه مردم ایران ارزیابی می نماید. نظریات آقای منتظری و تکیه وی به نقش معنوی روحانیت، غیرقانونی خواندن دولت، پذیرش رای مردم و احترام به خواسته های آنها، تفسیر جدیدش از ولایت فقیه هسته های روشنی بودند که برافکار بخشی از روحانیتی که خواهان جدائی نسبی دین از دولت هستند در آینده پرتو می افکند. منتظری در عمق استدلالش تنها راه نجات مذهب را در کناره گیری نسبی و محتاطانه از دولت و پذیرش یک نقش پرنفوذ معنوی می بیند که دولت را از طریق این بند معنوی هدایت می کند. این درسی است که وی بعد از سی سال تجربه شکست خورده جمهوری اسلامی گرفته است و تراوشات فکری وی در این زمینه را می توان در موضعگیریهای اخیرش بطور بارز دید. بهمین جهت وی بدرستی پدر معنوی اصلاح طلبان تلقی می شود که برای نجات مذهب اسلام گام به پیش گذارده است. چنین حرکتی از نظر ما بطور عینی مثبت بوده و هست زیرا به گشایش فضای باز سیاسی یاری می رساند، از فشار بار مردم می کاهد و فضای قابل تنفسی ایجاد می کند. موضع گیری درقبال آقای منتظری باید ارزیابی مشخص از شرایط مشخص باشد و از درپچه موضع گیریهای سیاسی ایشان با شناخت تاریخی و اجتماعی و در متن مبارزه طبقاتی صورت گیرد و نه از منظر ایدئولوژی و باورهای مذهبی ایشان.

از نظر ما کمونیستها هیچ تفاوت ماهوی بین مسیحیت، اسلام، بودا، زرتشت، یهودیت، بهائیت نیست و تمام مدعیان حقوق دموکراتیک موظفند به امر برابری مذاهب و جدایی دین از دولت و آموزش تاکید ورزند و از تلاش بیهوده برای آشتی دین با دموکراسی بپرهیزند زیرا حقوق بشر با اسلام و یا هر دین دیگر منافات دارد. مردم قهرمان ایران که این روزها ارتجاع را به لرزه درآورده اند با احترام به مبارزه نقادانه و واقعبینانه آیت الله منتظری علیه حکام فاسد اسلامی می نگرند و یاد همه کسانی را که حتی گامی ولو کوچک در برانداختن پایه های استبداد و اختناق سیاسی بر دارند گرامی میدارند. تاریخ ایران آنها را هرگز فراموش نخواهد کرد.

حزب کار ایران (توفان)

۳۰ آذر ۱۳۸۸

www.toufan.org

toufan@toufan.org